



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

برنامه درسی پنهان چگونه می تواند هوش هیجانی دانش آموزان را افزایش دهد؟ (مطالعه مروری)

عبدالعزیز آذرپور نویسنده مسوول^۱، مهدی محمودی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و تاریخ آموزش و پرورش، دانشگاه پیام نور واحد میاندوآب

آدرس پست الکترونیک aso.shno1394@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۹۳۸۹۷۸۶۴۸

^۲ دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده:

هم زمان با نهادینه شدن نقش و اهمیت تعلیم و تربیت در توسعه جوامع و بالندگی نسل جوان و نوجوان، تلاش های بسیاری برای قانونمند کردن این فرایند خطیر آغاز شد و تعلیم و تربیت به انشعابات متعددی تقسیم گردید. در این میان برنامه های درسی به عنوان قلب نظام تعلیم و تربیت و ابزاری در جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش مورد توجه بیش از پیش قرار گرفت. بدون تردید یکی از برنامه های مهم در این برنامه درسی پنهان است. دانش آموزان از طریق برنامه های درسی و به ویژه برنامه درسی پنهان با انواع دانش علمی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی و مهارت ها و نگرش های مختلفی همچون احترام، صداقت، سعه صدر، همدردی، وطن پرستی، تعهد و مسئولیت پذیری، توجه به نفع عموم، برابری، رعایت قانون و مقررات و غیره آشنا می شوند. همچنین در سالهای اخیر اهمیت و رشد سلامت هیجانی افراد در محیط های آموزشی، افزایش یافته است، مدرسه به عنوان مرجع تربیت کودکان، بایستی علاوه بر تمهید آموزشهای رسمی، باید بر اهمیت نقش اثر گذار فرآیندهای آموزشی نیز واقف باشد. چنین نتیجه ای در اثر تغییر و بهبود عناصر آشکار برنامه درسی پنهان و نیز تلفیق برخی از مولفه های آن در برنامه درسی رسمی قابل دستیابی است. شناسایی برنامه درسی پنهان در چارچوب یادگیری های ضمنی به وجود آمده از اجرای برنامه درسی آشکار، می تواند درکی عمیق و جامع را در زمینه تغییر و بهبود عناصر برنامه درسی فراهم آورد و نهایتاً به افزایش کارآمدی و تاثیرات برنامه درسی رسمی در توسعه مهارتهای هیجانی دانش آموزان منتهی گردد. مهارتهای هوش هیجانی مانند مسئولیت پذیری، همدلی و درک دیگران، روابط بین فردی، انعطاف پذیری، واقع گرایی، حل مسئله و تحمل فشار روانی می تواند در قالب برنامه درسی پنهان می تواند بسیار تاثیر گذار باشد که این امر با استفاده از برگزاری کارگاهها و دوره های آموزشی در خصوص آشنایی و اهمیت برنامه درسی پنهان امکان پذیر خواهد شد.

واژگان کلیدی: برنامه درسی پنهان - هوش هیجانی - دانش آموزان - آموزش و پرورش



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۱- مقدمه

آموزش، همواره جریانی اثرگذار بوده است؛ به این معنا که کاربرد آن، یا به عنوان وسیله ای برای کمک به یکپارچگی نسل جوان در منطق نظام موجود و انطباق آنها، یا تمرین آزادی است؛ به این معنا که مرد و زن به طور خلاقانه و انتقادی با واقعیت برخورد می کنند یا درمی یابند که چگونه در تغییر دنیای خود مشارکت کنند. به طور ضمنی، مطلب یادشده، به سه نقش اساسی آموزش اعتقاد دارد: اول اینکه آموزش، نقش ترکیبی دارد و بر این اساس به ما می گوید که چه چیزی درباره دنیا می دانیم؛ دوم اینکه زمانی که آموزش برای نگهداری تفاوت قدرت های موجود و نگاه داشتن مردم در جایگاه خود استفاده می شود، نقشی دیگر خواهد داشت؛ نقش سوم آموزش، کمک به ما در شکل دهی دیدگاه مان نسبت به دنیا و درنهایت، تغییر دنیا به عنوان پیامد آن، است که بر این اساس، آموزش، نقش تغییر دهنده دارد این آموزش ها از طریق برنامه های درسی، در مراکز آموزشی صورت می گیرند. برنامه درسی به منزله اتفاقی برنامه ریزی شده و قصدشده به دنبال آن است تا جریان رسمی و غیررسمی یاددهی - یادگیری را در محیط آموزشی، به شکلی هدفمند، تعریف و در چهارچوب آن سازمان دهی کند اما نمی توان فرایندهای رسمی آموزش را از زیرساخت های پنهان آن جدا کرد. (تامسون، ۲۰۰۴)

برنامه های درسی از مهمترین ابزارهای دستیابی به هدفهای آموزشی و تربیتی در آموزش و پرورش به شمار می آیند. تعریف و قلمرو برنامه درسی از دیدگاه برخی صاحب نظران و مراجع به این شرح است: برنامه درسی به منزله ظرفیتی با کارکردهای چندگانه همه رویدادهای آموزشی آشکار و پنهان را در خود جای می دهد. برنامه درسی به مجموعه فرصتهای تربیتی نظاممند و طرحریزی شده (از سطح ملی، منطقه ای و محلی تا مدرسه و کلاس درس با طیف گسترده و فراگیر تا بسیار محدود) و نتایج مترتب بر آنها اطلاق میشود که متربیبان برای کسب شایستگیهای لازم جهت درک و اصلاح موقعیت بر اساس نظام معیار اسلامی در معرض آنها قرار میگیرند تا با تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش مرتبه قابل قبولی از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد را به دست آورند. برنامه درسی، به محتوای رسمی و غیررسمی، روش و آموزشهای آشکار و پنهانی اطلاق میگردد که به وسیله آنها، شاگردان تحت هدایت مدرسه، دانش لازم را به دست آورند، مهارت کسب کنند و گرایش و ارزشها را در خود تغییر دهند (ملکی، ۱۳۹۰)

برنامه درسی آشکار در قالب سندی مکتوب و مدون برای تصمیم گیری در مورد اهداف، محتوا، روشهای تدریس و ارزشیابی به فرآیند یاددهی - یادگیری میپردازد، اما مجموعه یادگیریها و تجربی که فراگیران در نظام تعلیم و تربیت کسب میکنند همان طور که در تعاریف مذکور نیز آمده است، محدود به برنامه درسی رسمی و آشکار نیست. عوامل دیگری نیز به طور اجتنابناپذیر در کنار برنامههای رسمی وجود دارد که در بسیاری از جنبهها به طور پایدارتر و نافذتر در شکل گیری تجربیات دانش آموزان نقش دارد. (سمعی زفرقندی، ۱۳۹۶)

آیزنر در مباحث خود بر این موضوع استدلال کرد که آنچه مراکز آموزشی با استفاده از برنامه های درسی آشکار می آموزند کمتر از آن چیزی است که به وسیله ی برنامه های درسی پنهان خود به فراگیران منتقل می کنند. کارکردگرایان، برنامه ی درسی پنهان را شامل تاثیراتی میدانند که نظام مدرسه در جهت سازگاری افراد با نظام اجتماعی، در قالب مهارتها، دانش و ارزش های اجتماعی، نقش آفرینی می کند (خسروی و باقری، ۲۰۰۸). بر اساس این تعریف، تمامی مولفه های موجود در یک نظام آموزشی که می توانند جو عاطفی پیرامونی یادگیرنده ها را تحت تاثیر قرار دهند، در شمول برنامه ی درسی پنهان قرار میگیرند (کاظمی و مهرا، ۲۰۰۹).

اسکلتون برنامه ی درسی پنهان را مجموعه ای از پیام های مربوط به دانش، ارزشها و هنجارهای رفتاری و نگرشهایی می داند که یادگیرنده در طول فرایندهای آموزشی به طور ضمنی تجربه میکند (فتیحی، ۲۰۰۶). برنامه ی درسی پنهان در یک محیط آموزشی اشاره به جو عاطفی و شرایطی نانوشته دارد که دارای بیشترین اثر بر ارزشها و عواطف مخاطبان یادگیری است (کاظمی، ۲۰۱۱)

درباره مؤلفه های برنامه درسی پنهان دیدگاههای گوناگون مطرح است. برای نمونه بعضیها مانند ایزدی، شارع پور و قربانی قهرمان (۱۳۸۸) قوانین و مقررات مدرسه، روشها و نظامهای مدیریت یک مدرسه و همچنین جو اجتماعی مدرسه و تعامل معلمان و دانش آموز و در نهایت اقتدار و ساختار



مدرسه را جزء عوامل مؤثر در شکلگیری برنامه درسی پنهان دانسته اند و بعضی دیگر مانند فتحی و اجارگاه و واحد چوکده (۱۳۸۵) به جز مورد چهارم همه عوامل مذکور را از مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان معرفی کرده اند.

اهمیت بررسی آثار برنامه ی درسی پنهان به دلیل ماندگاری و پایداری یادگیری هایی است که تولید میکند آسبروکس بهترین شکل برنامه درسی پنهان را در پرورش کنجکاوی عقلانی و رشد عاطفی خلاصه نموده است که فرصت هایی را برای کشف علایق و توسعه قابلیت‌های جدید فراهم می آورد. فیلیپ جکسون در اهمیت برنامه ی درسی پنهان بیان می کند که این برنامه بر مهارت های خاصی تاکید می‌ورزد، فراگیران می آموزند که آرام و منضبط بمانند، خویشتندار باشند، تلاش نمایند وظیفه ی خود را کامل انجام دهند، شلوغ نکنند و مودبانه رفتار کنند (فتحی، ۲۰۰۶).

وجود هیجان برای عاقلانه فکر کردن مهم است و در رابطه میان احساسات و افکار، جنبه ی هیجانی، تصمیم های لحظه به لحظه ما را هدایت می کند و به صورتی تنگاتنگ با ذهن خرد گرا به کار گرفته می شود و فکر را توانا یا ناتوان می سازد و به همین ترتیب مغز متفکر نیز نقشی اساسی در پدید آمدن هیجان ها ایفا می کند (گلدمن، ۲۰۰۰).

گرچه عملکرد خوب در زمینه هوش هیجانی می تواند پیش بینی کننده موفقیت و پیشرفت فرد باشد، هوش هیجانی را پیشگویی کننده (Q) انمی توان مقیاس سنجش موفقیت دانست. پژوهش ها نشان داده اند که هوش هیجانی بیش از هوشبهر موفقیت فرد در زندگی است، افرادی که دارای کفایت هیجانی بالا هستند، مهارت های اجتماعی بهتر، روابط دراز مدت پایاتر و توانایی بیشتری برای حل تعارضات دارند. گرچه انسان ها به دلایل سرشتی و ژنتیکی در تنظیم و ابراز هیجان‌ات متفاوت هستند، یادگیری از طریق آموزش می تواند موجب افزایش توانایی ها و مهارت افراد در هر سطحی که هستند شود محیط خانواده اولین محل برای آموزش مهارت های هیجانی است، این آموزش با گفتار و رفتار مستقیم والدین با کودکان و همچنین با الگو برداری فرزندان از مهارت های هیجانی پدر و مادر صورت می گیرد. این آموزش موجب می شود کودکان در شناخت احساسات خود و ابراز این هیجان‌ات به صورتی مناسب، یافتن روش هایی برای آرام کردن خود و کنترل احساسات ناخوشایند، همچنین توانایی درک احساسات دیگران و همدلی با آنان موفقتر باشند. برای این آموزش، والدین خود باید از کفایت و هوش هیجانی لازم برخوردار باشند. با این که فرصت حیاتی برای شکل گیری هوش هیجانی در سال های اول زندگی است، این توانایی به صورتی محدودتر در تمام طول عمر ادامه می یابد (مایر، ۱۹۹۹). بر اساس تجربیات اولیه دوران کودکی، یک فرد می آموزد که به دیگران اطمینان کند و در دنیای پیرامون خود احساس امنیت نماید یا دیگران را غیر قابل اعتماد دانسته و همواره با بدبینی به محیط اطراف خود بنگرد.

هوش هیجانی دارای مرایای، اجتماعی، شناختی و زیست شناختی می باشد. پژوهش ها نشان داده اند که افراد با هوش هیجانی بالا، سطوح پایین تری از هورمون های استرس و دیگر نشانگرهای برانگیختگی هیجانی را دارا هستند. کودکان با کفایت هیجانی بهتر توانایی بیشتری برای تمرکز بر مشکل و استفاده از مهارت حل مسأله دارند که موجب افزایش توانایی های شناختی آنان خواهد شد. موفقیت فرد در آموزش چه در مدرسه و چه در سال های بعدی در دانشگاه، تنها با هوشبهر وی ارتباط ندارد بلکه با مهارت های هیجانی و اجتماعی هوش هیجانی مانند داشتن انگیزه لازم، توانایی منتظر ماندن، اطاعت از دستورات و کنترل تکانه، مهارت کمک خواستن از دیگران و بیان نیازهای هیجانی و آموزشی مرتبط می باشد (مایر، ۲۰۰۰).

۲- برنامه درسی پنهان

۱- پیامدهای مثبت برنامه درسی پنهان

برخی از پژوهش ها، به بررسی پیامدهای برنامه درسی پنهان پرداخته اند. البته نوع نگرش ما نسبت به مثبت یا منفی بودن ماهیت برنامه درسی، بر تبیین پیامد هایی که از آن انتظار داریم تأثیر می گذارد. کارکرد گرایان، که نگرشی مثبت نسبت به برنامه درسی پنهان دارند و آن را ابزاری برای جامعه پذیر نمودن دانش آموزان می دانند، معتقدند که برنامه درسی پنهان می تواند پیامدهای را به همراه داشته باشد. مانند عادت های بهداشتی، تفریحات سالم، علایق علمی و معنوی، ذوق هنری و زیبای شناسی، خلاق پسندیده، وظیفه شناسی، احترام به انسانیت، رقابت سالم و صمیمانه، همکاری و نوع دوستی، احترام به قوانین، مقررات، ارزش ها و هنجارهای مورد قبول جامعه، بزرگداشت خانواده، آزادمنشی، رعایت حقوق خود و دیگران، خود شکوفایی، میهن پرستی، پایبندی به سنت ها، آداب و رسوم قومی، ارج گذاری، قضاوت اقتصادی، ادراک اجتماعی، شهروند جهانی

^۱ Goldman

^۲ Mayer



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

بودن، ایمان به مردم سالاری. از جمله پیامدهای دیگر مثبت برنامه درسی پنهان می توان به کنترل پرخاشگری، حضور به موقع در کلاس درس و اظهار علاقه به مواد درسی اشاره کرد (هاشمی و خدابخشی صادق آبادی، ۱۳۹۶)

۲-۲- رابطه تدریس با برنامه درسی پنهان

از آنجا که برنامه درسی پنهان بعد غیر قابل پیش بینی یادگیری است، طراحی آموزشی بدون توجه به این بعد، غفلت از بخش مهم عواملی است که در یادگیری تأثیر فراوانی دارند. معمولاً در طراحی آموزشی به عوامل آشکار توجه شده و از عوامل پنهان غفلت می شود. پس لازم است که عوامل مربوط به برنامه درسی پنهان شناسایی شوند و در طراحی و اجرا تاحدودی تحت کنترل درآیند. مشارکت یادگیرندگان در آموزش میتواند به کم کردن فاصله بین برنامه درسی پنهان و آشکار کمک کند. در صورت وجود چنین مشارکتی، یادگیرندگان با علاقه و آگاهی برای یادگیری و میل به اهداف آموزشی تلاش خواهند کرد. همچنین در صورت آگاهی مدرس از تأثیر نوع برخورد در هنگام ارزشیابی، تلاش میکند تا رفتار خود را به منظور تقویت ارزش وب های مطل ها و گرایش تنظیم نماید. پس مدرس باید عوامل مؤثر در برنامه درسی پنهان را شناسایی کند و با در نظر گرفتن آنها در طراحی و اجرای آموزش منطقی تر عمل نماید (ملک، ۱۳۸۵)

۲-۳- ارتباط تکنولوژی آموزشی با برنامه درسی پنهان

با توجه به ماهیت تکنولوژی آموزشی میتوان این طور نتیجه گرفت که یکی از اهداف تکنولوژی آموزشی می تواند پیش بینی و کمک به توسعه ی برنامه ی درسی پنهان باشد. اگر تکنولوژی آموزشی را به تعبیری (نه تعبیر تکنیکی و فنی) برابر با خلاقیت و دقت بدانیم در نتیجه می توان از این ابزار مهم در بهره گیری هر چه بهتر از برنامه درسی پنهان استفاده نمود. در تکنولوژی آموزشی می آموزیم که شرایطی که فراهم آوردیم که منجر به یادگیری مؤثر در افراد شود. می آموزیم که این یادگیری مؤثر تحت چه شرایطی، در چه فضایی، در چه زمانی، با چه رسانه ای و ... حاصل می شود. در تکنولوژی آموزشی مبانی ارتباط انسانی را می آموزیم و به سطحی از تجزیه و تحلیل و تفکر انتقادی دست می یابیم. شرایط ارزشیابی صحیح نظام آموزشی و یادگیری را در می یابیم، پس تکنولوژی آموزشی می تواند زمینه ای را فراهم سازد که با دید سیستمی و جزئی نگر بتوان هرچه بهتر از نتایج برنامه ی درسی پنهان بهره گرفت (حبیبی پور و باتوانی، ۱۳۸۵)

۲-۴- تاثیر برنامه درسی پنهان بر تجربه های یادگیری شاگردان

تأثیر برنامه درسی پنهان، همانند برنامه درسی رسمی از نوع ایجابی است. برنامه ی درسی پنهان از یادگیری هایی حکایت می کند که دانش اموزان به دلیل حضور در بطن و متن فرهنگ حاکم بر نظام آموزشی، تجربه می کنند. تجربه های یادگیری که بدین وسیله حاصل می شود و عمدتاً در قالب مجموعه ای از انتظارات و ارزش ها تبلور می یابد، کمتر معطوف به حوزه دانستنی ها یا شناختند. ارزش گذاری ترجیحی برای مواد و موضوع های درسی گوناگون، به دلیل جایگاهی که این مواد در برنامه هفتگی مدارس دارند، به منزله ی یکی از مثال های یادگیری ناشی از برنامه ی درسی پنهان مدارس است. برای مثال دانش اموزان، به مواد درسی مانند هنر و تربیت بدنی در مقایسه با مواد و موضوع هایی مانند ریاضی و علوم تجربی ارزش و مرتبه ی درجه دوم می دهند. ی و ناسازگار انزوا طلبی اجتماعی فراگیران، بی علاقه بودن، انعطاف ناپذیری و محروم شدن از تجارب متعدد، وابستگی فکری به معلم و مدرسه، کاهش عزت نفس و تکیه بیش از حد بر ارزشیابی های مدرسه، پذیرش اقتدار برنامه های درسی رسمی و آسیب دیدن تجارب معلمان و شان اجتماعی فراگیران، الگو گیری از سایر دوستان، کنترل پرخاشگری، حضور به موقع در کلاس، اظهار علاقه نشان دادن به مواد درسی، اطاعت از خواسته های معلم و نظم در انجام دادن تکالیف برای کسب موفقیت بیشتر، بی میلی به همکاری، کاهش تلاش، توانایی، اعتماد به نفس و موفقیت تحصیلی فراگیران، تقویت روحیه ی رقابت فردی به جای همکاری، مشارکت در سایه ی نظام ارزشیابی، اطاعت و انتقاد، از خود بیگانگی و نگرش منفی نسبت به مدرسه به منزله ی مهم ترین مولفه های برنامه ی درسی پنهان شناخته شده اند که بیشتر تحت تأثیر جو مدرسه شکل می گیرند (هاشمی، ۱۳۹۴)

در مدرسه برای اداره امور مانند کلاسبندی، گروه بندی دانش اموزان، روشهای پیشرفت، روشهای ارزیابی، مسائل انضباطی، روشهای تشویق و تنبیه، فعالیتهای فردی و گروهی دانش اموزان و مشارکت یا عدم مشارکت آنها در اداره امور مدرسه و عوامل مشابه، ضوابط و مقرراتی وضع میشود. هر یک از این قوانین در شخصیت دانش اموزان تأثیر میگذارد. به عبارت دیگر قوانین، مقررات، روشها و سبکهای مدیریت مدرسه، از عوامل مهم برنامهدرسی پنهان به شمار می آیند. به عنوان مثال روش ارزشیابی و واکنش معلم نسبت به آثار و نتایج ارزشیابیها یکی از این عوامل است. اگر معلم دانش آموز ضعیف را تحقیر کند، طرز تلقی و نگرش منفی را در او تقویت میکند و دانش آموز اعتماد خود را نسبت به توانایی و جبران شکست از دست میدهد. این تصورات منفی بخشی از برنامه درسی پنهان است؛ به عکس اگر معلم نقاط قوت دانش آموز را یادآوری کند، زمینه تقویت انگیزه



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

تحصیلی را برای او فراهم می آورد. همچنین نوع فعالیت یادگیری اعم از فردی و گروهی در آثار و نتایج این گونه فعالیتها مؤثر است. یادگیریهای پنهان غالباً در حیطه ارزشها، نگرشها، هنجارها، تمایلات و عواطف و مهارتهای اجتماعی است (سمیعی زفرقندی، ۱۳۹۷)

۳- هوش هیجانی

به عقیده بار- آن هوش هیجانی شامل مجموعه ای از تواناییها، قابلیتها و مهارتهایی است که فرد را برای سازش یافتگی مناسب با محیط و کسب موفقیت در زندگی تجهیز می کند. به بیان ساده تر، هوش هیجانی بیانگر آن است که در روابط اجتماعی و در تعاملات روانی و عاطفی در شرایط خاص چه عملی مناسب و چه عملی نامناسب است. (یدالهی و همکاران، ۱۳۹۳)

عوامل تشکیل دهنده هوش هیجانی از نظر بار- آن عبارت اند از: هوش هیجانی درون- فردی (آگاهی، جرأتورزی، حرمت نفس، خودشکوفایی، استقلال)، هوش هیجانی میان- فردی (همدلی، مسئولیت پذیری اجتماعی، روابط میان- فردی)، توانایی سازگاری (حل مسئله، واقعیت آزمایی)، مدیریت استرس (تحمل استرس، کنترل تکانه)، خلق و خوی عمومی (شادکامی، خوشبینی). بار- آن (۲۰۰۶) فرض میکند که هوش هیجانی در اغلب اوقات رشد مییابد و میتوان آن را به کمک آموزش، برنامه ریزی و درمان گسترش داد. او معتقد است افرادی که دارای هوش هیجانی بالا هستند، عموماً در برخورد با خواستها و فشارهای محیطی عملکردی موفقیت آمیزتر دارند. او همچنین معتقد است که نقص و نارسایی در هوش هیجانی میتواند به منزله عدم موفقیت و وجود مشکلات هیجانی معنا شود. هوش هیجانی شامل توانایی تحت نظر گرفتن احساسات و هیجانان خود و دیگران، تمایز قائل شدن میان آنها و استفاده از این اطلاعات برای عملکرد و تفکر بهتر است. قابلیت های هوش هیجانی برای مدیریت هیجان و اداره ماهرانه روابط بسیار اساسی است و افراد جهت فائق آمدن بر چالشهای زندگی، باید مؤلفه های هوش هیجانی خود را پرورش دهند (کمالیان و فاضل، ۱۳۹۰)

۳-۱- اهمیت و فایده هوش هیجانی

زندگی بدون شور و احساسات، به زمین بایر سنگینی می ماند که سرشار از بی حاصلی است و از غنای زندگی بریده و مجزا شده است. اما از نظر ارسطو آنی که مطلوب است، احساس مناسب است؛ یعنی احساسی که با موقعیت تناسب دارد. هرگاه احساسها به شدت فرو نشانده شوند، کسالت و فاصله ایجاد می کنند، و هرگاه از کنترل خارج شوند؛ یعنی شدید و دیر پا باشند، مرضی می شوند. شواهد بسیاری ثابت می کنند افرادی که مهارت هیجانی دارند در هر حیطه ای از زندگی ممتازند؛ خواه در روابط عاطفی و صمیمانه، خواه در فهم قواعد ناگفته ای که در خط مشی سازمانی به پیشرفت می انجامد، و چه در آموزش، تربیت فرزند و مسائل خانواده و چه در بخش سلامت روان و شخصیت (میردیکوندی، ۱۳۹۰)

۳-۲- هوش هیجانی و ارتباطات

هوش هیجانی اساساً در ارتباطات، تجلی پیدا می کند. این ارتباطات از سویی، حوزه درون فردی و از سوی دیگر، قلمرو میان فردی را در برمی گیرند. بنابراین، می توان از دو دسته شایستگی های کلی در دو قلمرو شخصی و اجتماعی، سخن گفت. در قلمرو شخصی، هوش هیجانی به قابلیت ها، شایستگی ها و توانمندی هایی می پردازد که ارتباط فرد را با خود تنظیم می کند. در این حوزه ها با مؤلفه هایی، چون آگاهی به خود، اعتماد به نفس، مدیریت هیجانها و ابتکار عمل سر و کار داریم. شایستگی های این بخش در ارتباط با یکدیگر معنا پیدا می کنند و تقویت کننده یکدیگر به شمار می آیند. برای مثال، آگاهی دقیق از خود، زمینه ساز بستر مناسبی برای افزایش اعتماد به نفس است و مدیریت هیجانها نقش برجسته ای در افزایش اعتماد به نفس ایفا می کند. به هر میزان که هیجانها در عمل بهتر مدیریت شوند و موفقیت در این زمینه شکل عملی پیدا کند، باور فرد به خود افزایش می یابد. در قلمرو اجتماعی، هوش هیجانی به قابلیت ها، شایستگی ها و توانمندی هایی می پردازد که ارتباط فرد را با دیگران تنظیم می کنند. مؤلفه هایی، چون همدلی، آگاهی سازمانی، مدیریت تضاد و تعارض، کار گروهی، نفوذ، پرورش دیگران و ارتباط با دیگران در این حوزه قرار می گیرند (فاطمی، ۱۳۸۵).

۳-۴- هوش هیجانی و آموزش

منظور از فرد آموزش دیده چیست؟ دیدگاه شایع در حوزه آموزش، آموزش دیدن را در خصوص کسب دانش و آگاهی، پذیرش مسئولیت، وجود همدلی و انعطاف تفسیر می کند، ضمن آنکه بعضی عنصر عدم خشونت را نیز در آن ملحوظ می دارند. از این نقطه نظر می توان گفت که آموزش



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

فراتر رفتن از مهارت‌های هوش سنتی و ضمیمه کردن مهارت‌های هیجانی و اجتماعی یا همان مهارت‌های هوش هیجانی است. جان دیویی ماهیت کلاس‌های درس را عمیقاً مطالعه کرده و چنین نتیجه گرفت که کلاس درس مکانی است که در آن دانش آموزان باید مفاهیم مربوط به دموکراسی، مهارت‌های لازم برای حفظ آن، ذهن فکور و خلاق برای پیشبرد آن، و شرایط هیجانی و اجتماعی لازم را برای انتقال آن، یاد بگیرند. از نظر دیویی می‌توان رابطه ژرفی بین مواد آموزشی، چارچوب و حوزه‌ای که در آن این مواد یاد گرفته می‌شوند، و حوزه‌هایی که لازم است این مواد در آنها به گونه‌ای کاربردی مورد استفاده قرار گیرند، برقرار کرد. مؤلفه‌ها و مقدماتی هستند که امروز از آنها در چارچوب هوش هیجانی یاد می‌شود.

از مجموع آنچه گفته شد مسلماً چنین استنباط می‌شود که رابطه بسیار نزدیکی بین هوش هیجانی و آموزش وجود دارد. این رابطه مهم، دو جنبه اساسی و عمده دارد:

۱. آموزش مهارت‌های هیجانی و آشنا ساختن دانش آموزان و دانشجویان با هوش هیجانی و ابعاد گوناگون آن (تعلیم مهارت‌های هیجانی)
۲. توجه به مهارت‌های هیجانی و رعایت کردن آنها در تمام برنامه‌های آموزشی (استفاده از مهارت‌های هیجانی). پس باید در مدارس و دانشگاه‌ها به این دو بعد مهم و اساسی عنایت ویژه‌ای داشت؛ به این معنا که هم مهارت‌های هیجانی را به افراد یاد داد و هم در کنار آموزش آنها از مهارت‌های هیجانی استفاده کرد. (همان)

۴- پیشینه تحقیق

اکبرزاده و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیق خود با عنوان مدل‌یابی روابط ساختاری بین برنامه درسی پنهان، هوش هیجانی و اضطراب تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه دوم نشان دادند که ضریب مسیر بین روش تدریس با هوش هیجانی مثبت و معنی‌دار، ضریب مسیر بین تعامل میان معلمان و دانش‌آموزان با هوش هیجانی مثبت و معنی‌دار، ضریب مسیر بین شیوه‌های ارزشیابی معلمان با هوش هیجانی مثبت و معنی‌دار، ضریب مسیر بین قوانین و مقررات مدارس با هوش هیجانی مثبت و معنی‌دار و ضریب مسیر بین هوش هیجانی با اضطراب تحصیلی دانش‌آموزان منفی و معنی‌دار بود.

عاطفت دوست (۱۴۰۰) در تحقیق خود با عنوان بررسی رابطه‌ی برنامه درسی پنهان و توسعه رفتارهای حرفه‌ای معلمان با توجه به نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در سطح معلمان مقطع متوسطه شهر شیراز نشان داد که برنامه درسی پنهان بر خودانگیزی، خودآگاهی و خودکنترلی، همدلی تأثیر مستقیم داشت. و به طور کلی برنامه درسی پنهان بر رفتارهای حرفه‌ای تأثیر مستقیم داشت. همچنین مؤلفه‌های هوش هیجانی (خودانگیزی، خودآگاهی، خودکنترلی، همدلی) بر توسعه رفتارهای حرفه‌ای تأثیر مستقیم دارد. همچنین برنامه درسی پنهان با نقش واسطه‌ای (خودانگیزی، خودآگاهی، خودکنترلی و همدلی) بر توسعه رفتارهای حرفه‌ای معلمان تأثیر غیرمستقیم دارد.

انتظاری هرسینی (۱۴۰۰) در تحقیق خود با عنوان مدل علی رشد مهارت‌های اجتماعی بر اساس برنامه درسی پنهان با نقش واسطه‌ای هوش هیجانی و هوش معنوی در دانش‌آموزان دوره ی اول متوسطه نشان داد که بین برنامه پنهان درسی و هوش هیجانی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

عرب بافرانی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیق خود با عنوان بررسی نقش برنامه درسی پنهان در تقویت هوش اخلاقی دانش‌آموزان نشان دادند که سازه‌های هوش اخلاقی و برنامه درسی از روایی سازه لازم برخوردار می‌باشند و در روابط ساختاری، بین برنامه درسی پنهان مدار و هوش اخلاقی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

سمعی زفرقندی (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان بررسی رابطه برنامه درسی پنهان با هوش هیجانی دانش‌آموزان نشان داد که

میر عرب رضی و اکبری (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان بررسی آثار برنامه درسی پنهان مدارس و ارائه راهکارهایی به منظور کاهش آثار منفی و افزایش آثار مثبت نشان دادند که در مجموع ۹۲ راهکار از دیدگاه معلمان و مدیران در کاهش آثار منفی برنامه درسی پنهان وجود دارد که شامل دانش‌آموزان بر اساس وضعیت اقتصادی شان طبقه بندی نشوند، در مدرسه نیاز به کار گروهی است، موفقیت در مدرسه نتیجه اطاعت بی چون و چرا از مراجع قدرت نیست می باشد.

پژوهش احمدیان و سبحانی نژاد (۱۳۹۴) با عنوان بررسی رابطه میان مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان با ابعاد گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان در آموزش عالی نشان دادند که همبستگی مثبت بین ابعاد هفت گانه گرایش به تفکر انتقادی و برنامه درسی وجود دارد.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

تقوایی یزدلی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان تحلیل وضعیت برنامه درسی پنهان دانشگاه علوم پزشکی کاشان و دانشگاه کاشان و ارتباط آن با میزان هوش هیجانی دانشجویان نشان دادند که رابطه بین وضعیت برنامه درسی پنهان و مؤلفه های وضعیت روش تدریس، روش ارزشیابی، فضای کالبدی و قوانین و مقررات با هوش هیجانی مثبت و معنادار بود. همچنین وضعیت برنامه درسی پنهان در حد نسبتاً مطلوب و میانگین هوش هیجانی دانشجویان بالاتر از حد متوسط بود. بین دیدگاه دانشجویان در مورد وضعیت برنامه درسی پنهان بر حسب رشته تحصیلی و نوع دانشگاه تفاوت معناداری وجود داشت، اما این تفاوت بر حسب جنسیت، مقطع تحصیلی و سال ورود معنادار نبود. همچنین بین هوش هیجانی دانشجویان بر حسب ویژگی های دموگرافیک تفاوت معناداری وجود نداشت.

کوبوکو (۲۰۱۳) به بررسی اثر برنامه درسی پنهان بر آموزش شخصیت به این نتیجه رسید کیه برنامه درسی پنهان رابطه معنی داری با مسئولیت پذیری، صداقت و احترام به خود از جانب شاگردان دارد.

امینی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین مؤلفه های برنامه درسی پنهان و روحیه علمی دانشجویان پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که هفت مؤلفه برنامه درسی پنهان در آموزش عالی شامل ساختار فیزیکی و معماری دانشگاه، ارتباط متقابل میان اعضای هیئت علمی و دانشجویان، قوانین و مقررات، روشهای تدریس، محتوا، شیوه های ارزشیابی و جو اجتماعی با روحیه دانشجویان ارتباط معناداری دارد.

۵- تاثیر برنامه پنهان درسی بر هوش هیجانی دانش آموزان

ارتباط نظام آموزشی با عرصه های گوناگون زندگی دارای اهمیت بسیار و مورد تاکید صاحب نظران است. عملکرد ضعیف دانش آموزان و فارغ التحصیلان در زمینه هایی مانند عواطف و تنظیم آن، نشانگر رشد تکبعدی دانش آموزان در مدارس و عقب ماندگی آنها از مهارتهای زندگی است. توسعه و پیشرفت هر جامعه به سلامت و آگاهی افراد جامعه بستگی دارد و افراد جامعه مدتی تحت تاثیر نظام آموزشی پنهان بوده اند. عوامل دیگری که جزء برنامه درسی نیست و از دید برنامه ریزان و دست اندکاران تعلیم و تربیت نیز پنهان است، در فکر، عواطف، رفتار و شخصیت و هوش هیجانی دانش آموزان اثر می گذارد و در اغلب موارد تحت تاثیر برنامه درسی پیشبینی شده عمل می کند که در ادبیات برنامه ریزی درسی، آن تأثیرات را برنامه درسی پنهان می نامند (سمیعی زفرقندی، ۱۳۹۷)

برنامه پنهان درسی موید این نکته است که چه چیزی شالوده احساس فراگیران را در مورد خود تشکیل می دهد چرا که احساسات، باورها و رفتارهای یادگیرنده از ویژگی هایی هستند که تحت تاثیر برنامه پنهان درسی قرار می گیرند. یکی از وجوه و ابعاد خودمفهومی متاثر از برنامه درسی پنهان مثبت یا منفی، هوش هیجانی است که به دلیل بعد اکتسابی آن، به راحتی قابل یادگیری، تکامل، بهبود و اصلاح می باشد. اگر ارزش های مستتر در مولفه های برنامه درسی، تجارب تربیتی و مثبتی را برای دانش آموزان فراهم آورد؛ در این صورت با رشد هوش هیجانی همراه خواهد بود. ولی اگر ارزش ها و باورهای مخالف الگوگیری صحیح هیجانی، در دانش آموزان درونی شود، پیش بینی ناتوانی های هیجانی و شاید شکل گیری مهارتهایی مغایر با هوش هیجانی، دور از ذهن نخواهد بود. شناسایی برنامه پنهان درسی در چارچوب یادگیری های ضمنی به وجود آمده از اجرای برنامه درسی آشکار، می تواند درکی عمیق و جامع را در زمینه تغییر و بهبود عناصر برنامه درسی فراهم آورد و نهایتاً به افزایش کارآمدی و تأثیرات برنامه درسی رسمی در توسعه مهارتهای هیجانی دانش آموزان منتهی شود.

روش تدریس به عنوان یکی از مولفه های برنامه درسی پنهان نیز می توان بر هوش هیجانی دانش آموزان اثر گذار باشد چرا که معلم به عنوان تسهیل کننده ی فرآیند آموزش و رشد ویژگی های شناختی، عاطفی و رفتاری دانش آموزان تلقی می شود، باید در انتخاب شیوه های تدریس به اثرات تربیتی و اجتماعی آن نیز توجه داشته باشد. با به کارگیری روش های آموزشی فعال می توان زمینه افزایش هوش هیجانی، توسعه مهارتهای فردی و اجتماعی و کاهش انزوا و انفعال دانش آموزان را در جهت سلامت جامعه فراهم ساخت. روش تدریس معلمان میتواند موجب روحیه انفعال یا فعال بودن دانش آموزان شود. معلم به منزله تسهیل کننده فرآیند یاددهی-یادگیری در جریان تدریس ویژگیهای شناختی، عاطفی و رفتاری دانش آموزان را مورد توجه قرار میدهد. به کارگیری روشهای تدریس فعال زمینه افزایش هوش هیجانی و توسعه مهارتهای فردی و اجتماعی دانش آموزان را فراهم می آورد.

در مورد ارزشیابی و شیوه آن نیز به عنوان یکی دیگر از مولفه های برنامه درسی پنهان می توان بیان کرد که انجام ارزشیابی تراکمی منجر به عدم تلاش مستمر دانش آموزان، کاهش اعتماد به نفس و امید به موفقیت در آنها می گردد. شیوه های ارزشیابی، قابلیت تشدید فشارهای روانی،



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

اضطراب و بروز رفتارهای تکانشی و افزایش تنش در دانش‌آموزان را داراست و هوش هیجانی آنها را که اعم از موارد مذکور است تحت تاثیر قرار می‌دهد. روش ارزشیابی و واکنش معلم نسبت به آثار و نتایج ارزشیابی‌ها یکی از این عوامل مرتبط با هوش هیجانی است. اگر معلم دانش‌آموز ضعیف را مورد تحقیر قرار دهد، طرز تلقی و نگرش منفی در او تقویت می‌شود و دانش‌آموز اعتماد خود را نسبت به توانایی و جبران شکست از دست می‌دهد. این تصورات منفی بخشی از برنامه درسی پنهان است که هوش هیجانی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. یا نوع فعالیت یادگیری اعم از فردی و گروهی بودن در آثار و نتایج این گونه فعالیتها مؤثر است.

در مورد تعاملات بین معلمان و دانش‌آموزان که مولفه دیگری از برنامه درسی پنهان است نیز دانش‌آموزان بر اساس رفتارهایی که مشاهده می‌کنند دست به انتخاب می‌زنند و از رفتارهای نادرست معلمان درس گرفته و به پذیرش یا رد آنها با توجه به علایق، استعدادها و نیازهای خویش می‌پردازند. در واقع این همان نظام درون فردی است که فراگیر را از قالب کیف زیپ دار خارج نموده و نشان می‌دهد که خود فرد تا چه حد توانایی ایفای نقش در تاثیرپذیری از برنامه درسی پنهان دارد.

فضای کالبدی مدرسه نیز یکی دیگر از مولفه‌هاست که دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند در کلاس‌های کاملاً زیبا و پر نور درس بخوانند و محیط فیزیکی مناسب کلاسهای درس و مدرسه می‌تواند سبب ایجاد احساسات مثبت در دانش‌آموزان شود. محیط ظاهری مدارس در رشد توانمندی و مهارتهای دانش‌آموزان موثر است. فضای کالبدی مناسب می‌تواند باعث ایجاد احساسات مثبت در دانش‌آموزان گردد. فضای آموزشی خشک و راکدی که فاقد هرگونه روح و الهام بخشی و نیز جذابیت‌های بصری است. ضمن این که تصور موجوداتی خالی از ذهن و منفعل را به دانش‌آموزان القا می‌کند. نمی‌تواند بسترهای محیطی لازم را برای بروز و رشد عواطف، هیجانات و احساسات دانش‌آموزان در جهت افزایش هوش هیجانی آنان فراهم آورد.

یکی دیگر از مولفه‌ها وضعیت درست قوانین و مقررات است، اجرای درست قوانین و مقررات باعث افزایش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. نوع برخورد اولیای مدرسه با دانش‌آموزان، مشارکت یا عدم مشارکت آنان درباره زمان ورود و خروج مدرسه، برنامه‌های مدرسه‌ها همچنین نحوه برخورد با بی‌انضباطی‌های دانش‌آموزان همگی تاثیر غیر قابل انکاری در باور دانش‌آموزان در قبال توانمندی و مهارتهایشان دارد. با بازنگری در قوانین، کاهش تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها و در نظر گرفتن علایق دانش‌آموزان در وضع مقررات می‌توان نگرش مثبت، اعتماد به نفس و به تبع آن هوش هیجانی را افزایش داد. در درون مدرسه روابط انسانی متعدد شکل می‌گیرد و هر کدام آثار تربیتی خاص خود را دارند. یکی از آنها رابطه معلمان و دانش‌آموزان است. اگر معلمان برداشتهای طبقاتی ویژه‌ای داشته باشند، نوع زندگی دانش‌آموزان در تصمیم‌گیریهای تربیتی تاثیر خواهد داشت، یعنی فرزندان طبقه‌ای که نزد معلمان اهمیت بالاتر دارند، از توجهات ویژه برخوردار خواهند شد و فرزندان طبقات دیگر از چنین توجهی محروم خواهند ماند و تحقیر خواهند شد. یا اگر معلمان جهت‌گیری نژادی داشته باشند براساس آن عمل خواهند کرد. دانش‌آموزان از ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی یکدیگر تاثیر می‌پذیرند. ممکن است دانش‌آموزان خانواده‌های ثروتمند و پردرآمد که فرهنگ خاص خودشان را دارند و آداب و معاشرت آنها متفاوت است با مشاهده دانش‌آموزان خانواده‌های کم‌درآمد احساس کمبود و حقارت کنند. هر یک از این دو حالت جزئی از برنامه درسی پنهان دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد

۶- نتیجه گیری

یکی از عواملی که جریانهای روبه رشد در نظام آموزشی ما ایجاد می‌کند، برنامه‌ای است که به نظر بسیاری از نظریه‌پردازان و محققین را به خود جلب کرده است، نه در جایی نوشته شده و نه هیچ معلمی آن را درس می‌دهد، بلکه محیط اجتماعی مدرسه با تمام خصوصیات‌شان را آموزش می‌دهد. صرف نظر از این که معلمان مدرسه تاچه اندازه متبحر و شایسته‌اند یا برنامه درسی رسمی تا چه حد پیشرفت کرده است، دانش‌آموزان، اتفاقاً در معرض جریانی قرار می‌گیرند که هیچگاه سخنی از آن در میان نبوده است. هم زمان با نهادینه شدن نقش و اهمیت تعلیم و تربیت در توسعه جوامع و بالندگی نسل جوان و نوجوان، تلاش‌های بسیاری برای قانونمند کردن این فرایند خطیر آغاز شد و تعلیم و تربیت به انشعابات متعددی تقسیم گردید. در این میان برنامه‌های درسی به عنوان قلب نظام تعلیم و تربیت و ابزاری در جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش مورد توجه بیش از پیش قرار گرفت. و بدین ترتیب برنامه ریزی درسی به یکی از حوزه‌های تخصصی و در عین حال بحث‌انگیز تعلیم و تربیت مبدل گردید. برنامه درسی به عنوان یکی از ستونهای الزامی سازه علوم تربیتی نقش بی‌بدیلی در عملکردهای تربیتی داشته است. و حتی پا را از قلمرو رسمی بودن بیرون گذاشته، فرایندهای غیر رسمی را در بر گرفته است. برنامه درسی، به منزله ظرف و ظرفیتی در نظر گرفته شده است که کارکردهای چندگانه پیدا کرده و در صدر بر آمده تا همه اتفاق‌های آموزشی آشکار و پنهان و شکل عملی شدن انتظارات و مقاصد آموزشی را در خود جای دهد. برنامه درسی به منزله یک فرایند، می



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



خواهد مسیری باشد که آغاز و پایان جریان یادگیری و آموزش را به هم پیوند دهد. این جریان که سبب رویکرد و نگرش خاصی در آنان می‌شود می‌تواند برنامه درسی پنهان باشد. بنابراین برنامه‌ای که به صورت موازی با برنامه درسی آشکار در مدرسه جریان دارد می‌تواند انتقال دهنده دانش و مهارتهایی باشد که بدون آگاهی طراحان، مدرسان و فراگیرندگان حاصل می‌شود، لذا می‌تواند دارای آثار مثبت و منفی متفاوتی بر روی یادگیرندگان باشد. برنامه درسی پنهان اشاره به یادگیری دانش آموزان از نگرش و رفتار معلم در کلاس درس دارد؛ که این نگرشها به صورت ذهنی با احساس یا میل در کلاس درس بیان می‌شوند؛ این برنامه برای توصیف نظام غیررسمی کلاس بکار میرود. هوش هیجانی بالاتر به فرد این امکان را می‌دهد که در حیطه ناهشیار بهتر بتواند به مدیریت، شناخت، تنظیم و ارزیابی هیجانها بپردازد. بر این اساس می‌توان گفت فردی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردار است، در موقعیت‌های تنش‌زا و سخت از راهبردهای مقابله‌ای یا مکانیسم‌های دفاعی مناسب و رشد یافته استفاده می‌نماید، در نتیجه میزان سازگاری و سطح سلامتی‌اش افزایش می‌یابد. با توجه به مطالب عنوان شده می‌توان نتیجه گرفت برنامه درسی پنهان می‌تواند بر روی هوش هیجانی دانش آموزان اثر گذار باشد که این اثر به تدریجی و با توجه به محیط و عوامل انسانی که دانش آموز در مدرسه با آن روبرو می‌شود متفاوت خواهد بود این اثر را می‌توان مثبت یا منفی در نظر گرفت که این امر در نتیجه نحوه مدیریت برنامه مذکور در مدرسه خواهد بود.

۷- پیشنهادات

طراحان برنامه درسی باید با شناخت برنامه درسی پنهان، فرصت‌های یادگیری را به گونه‌ای طراحی نمایند که پیامدهای قصد نشده مثبتی را برای فراگیران فراهم آورد؛ چرا که قرار گرفتن در معرض برنامه درسی پنهان منفی، فراگیری مهارت‌های مغایر با پرورش فرد و حتی خطر ساز برای رشد هیجانی وی را امکان‌پذیر خواهد ساخت.

روش تدریس استاد می‌تواند انفعال، ناامیدی، سطحی‌انگاری، تقلای در حفظ طوطی‌وار و حتی تقلب را در مقابل فعالیت، شور و شوق یادگیری و خلاقیت و نوآوری به دنبال داشته باشد. بنابراین باید معلمان به دیدگاه و سوالات دانش‌آموزان توجه نمایند و زمینه بروز توانمندی‌های ایشان را از طریق کاربرد روش‌های تدریس فعال و پرهیز از انتقال صرف دانش در جهت ارتقای جایگاه عواطف و هیجان‌ها و نقش و کارکرد مهم آن در کنش‌های مختلف ذهنی و عقلانی فراگیران فراهم نمایند.

روش‌های سنجش نامناسب که تا حدود زیادی به انجام ارزشیابی درو یک مرحله و پایان ترم مربوط می‌شود، فشار سختی را برای دانش‌آموزان تحمیل می‌کند، که ضمن ایجاد فشار روانی مضاعف و اضطراب مخل یادگیری در دانش‌آموزان، آنها را از لذت یادگیری محروم می‌کند. توجه به فعالیت‌های دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی به عنوان بخشی از ارزشیابی، استفاده از روش‌های ارزشیابی فرایندی و متکثر در قالب تحقیقات موابق با توانایی دانش‌آموزان و علایق آنها و نیز عدم تاکید بر نمره پایانی و سنجش شخصیت دانش‌آموزان با این ملاک می‌تواند به بهبود وضعیت هیجانی دانش‌آموزان بیانجامد.

لزوم توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناختی و هنری کلاسهای درس و فضای کلی مدرسه، تغییر چیدمان و کم کردن ظرفیت تعداد دانش‌آموزان در کلاس، می‌تواند فعالیتهایی در جهت ایجاد محیطی پذیرا و دوست‌داشتنی و انگیزشی برای توجه به مهارت‌های هیجانی باشد.

منابع

- احمدیان، میناغ سبجانی نژاد، مهدی (۱۳۹۴) بررسی رابطه میان مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان با ابعاد گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان در آموزش عالی، پژوهش‌های تربیتی، شماره ۳۱، صص ۷۸-۱۱۰
- اکبرزاده، نجیبه؛ فلاح، وحید؛ رسولی، سیده عصمت (۱۴۰۱) مدل‌یابی روابط ساختاری بین برنامه درسی پنهان، هوش هیجانی و اضطراب تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه دوم، مجله مطالعات ناتوانی (علمی-پژوهشی)، مقالات در حال ویرایش
- امینی محمد، ماشاللهی نژاد، مریم، مهدی زاده و علیزاده، مرضیه (۱۳۹۰) بررسی رابطه بین مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان و روحیه علمی دانشجویان، پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، جلد ۱۷، شماره ۴، صص ۸۱-۱۰۳



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



انتظاری هرسینی، مهدیه (۱۴۰۰) مدل علی رشد مهارت‌های اجتماعی بر اساس برنامه درسی پنهان با نقش واسطه‌ای هوش هیجانی و هوش معنوی در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه، پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه، مرکز پیام نور کرمانشاه

ایزدی، صمد؛ شارع پور، محمود و قربانی قهرمان، راضیه (۱۳۸۸). بررسی نقش برنامه درسی پنهان در ایجاد نگرش به اقتدار، تقویت هویت ملی و جهانی شدن (مورد مطالعه دانش آموزان مدارس متوسطه). مجله مطالعات ملی، ۱۰(۳)، صص ۱۳۶-۱۰۹
تقوایی یزدلی، زهرا (۱۳۹۲) تحلیل وضعیت برنامه درسی پنهان دانشگاه علوم پزشکی کاشان و دانشگاه کاشان و ارتباط آن با میزان هوش هیجانی دانشجویان، پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی
حبیبی پور، مجید: باتوانی، مرتضی (۱۳۸۵) تاثیر برنامه ی درسی پنهان در یادگیری، ماهنامه ی رشد، تکنولوژی آموزشی: صص ۱۷۵-۱۵۹

سمیعی زفرقندی، مرتضی (۱۳۹۷) بررسی رابطه برنامه درسی پنهان با هوش هیجانی دانش آموزان، خانواده و پژوهش بهار ۱۳۹۷ - شماره ۳۸، صص ۱۱۹ تا ۱۳۶

عاطفت دوست، حسین (۱۴۰۰) بررسی رابطه‌ی برنامه درسی پنهان و توسعه رفتارهای حرفه ای معلمان با توجه به نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در سطح معلمان مقطع متوسطه شهر شیراز، پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان فارس، مرکز پیام نور شیراز

عرب بافرانی، فرزاد؛ مصدق، هادی؛ رفیعی، محسن (۱۴۰۰) بررسی نقش برنامه درسی پنهان در تقویت هوش اخلاقی دانش-آموزان، مدیریت بر آموزش سازمانها سال دهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰ شماره صفحه ۹۵-۱۱۶
فاطمی، سیدمحسن (۱۳۸۵) هوش هیجانی، تهران، سارگل.

فتحی واجارگاه، کوروش و واحدچوکده، سکینه (۱۳۸۵) شناسایی آسیبهای تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام آموزش متوسطه نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۵(۱۷)، صص ۹۳-۱۳۲

کمالیان، امین رضا و فاضل، امیر. (۱۳۹۰) بررسی رابطه هوش هیجانی و میزان کارآفرینی دانش آموزان (مطالعه موردی: دانشگاه سیستان و بلوچستان). فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۳(۱۱)، صص ۱۴۶-۱۲۷.

ملکی، حسن (۱۳۸۵) برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل). تهران: انتشارات راه اندیشه.

ملکی، حسن؛ شاملی، عباسعلی و شکرالهی، مهدی (۱۳۹۰) تربیت عبادی کودکان. فصلنامه اسلام و پژوهشهای تربیتی، ۳(۱)، صص ۱۳۲-۱۰۵.

میر عرب رضی، رضا؛ اکبری، مهدی (۱۳۹۶) بررسی آثار برنامه درسی پنهان مدارس و ارائه راهکارهایی به منظور کاهش آثار منفی و افزایش آثار مثبت، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه تربیتی، سال دوازدهم، شماره ۵۱، صص ۱۵۶-۱۳۹

میردریکوندی، رحیم (۱۳۹۰) هوش هیجانی، پیشینه و رویکردها از نگاه دین و روان‌شناسی، نشریه روانشناسی و دین، سال چهارم، شماره سوم، پاییز، صص ۹۷-۱۲۷.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

هاشمی، احمد (۱۳۹۴) برنامه ریزی درسی (اصول و کاربرد)، ویرایش دوم لامرد: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد؛ تهران: تابماز.

هاشمی، سید احمد؛ خدابخشی صادق آبادی (۱۳۹۶) برنامه درسی پنهان و نقش آن در مدارس، مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، دوره هشتم، شماره دوم، صص ۴۲-۲۸

یداللهی، آریتا. میرزا زاده، عظیم و فتی، لادن (۱۳۹۳) پیش بینی موفقیت تحصیلی بر اساس هوش هیجانی و مؤلفه های جمعیت شناختی. مجله علوم پزشکی رازی، ۲۱(۱۱۸)، صص ۸۰-۷۳

Bar-On, R. (2006). *The Bar-On model of emotional-social intelligence (ESI)*. *Journal of Psicothema*, 18(Suppl), 13-25

Çubukcu, Zühal (2012). *Effect of hidden curriculum on Character Education Process Primary School Students*. *Educational Sciences: Theory & Practice* – 12 (2) [Supplementary Special Issue]. pp.1226-1236

Fathi Vajargah K, Vahed S. *Identification of citizenship education damages in hidden curriculum: secondary education system from the perspective of women teachers in Tehran & provide ways to improve its situation*. *J Educational Innovations*. 2006; 5(17): 93-132. [Persian]

Goldman, D. (2000). *Emotional intelligence*. In B. J. Sadock, & V.A. Sadock (Eds.) comprehensive text book of psychiatry (7th ed.). Philadelphia: Lipincott: Williams & Wilkins.

Kazemi S, Mahram B. *An investigation of the performance of administrators as a component of hidden curriculum in values education*. *J Curriculum Studies*. 2009; 5(17): 129 -152.[Persian]

Kazemi S, Mahram B. *Impact leadership role of educational managers on change of value system with emphasizing on monograph approach*. *J Evolution Management*. 2011; 3(5): 125 -147. [Persian]

Khosravi Z, Bagheri Kh. *The guide of be intra in moral values through curriculum*. *J Curriculum Studies*. 2008; 2(8): 81-105. [Persian]

Mayer, J. D., & Salovey, P. (1990). *Emotional Intelligence. Imagination, Cognition and Personality*. 9, 185_211.

Mayer. D. (2001). *A filed guide to emotional intelligence* .In J. Ciarrochi, J. P. Forgas & J. D. Mayer (Eds), *Emotional intelligence in every-day life* (PP.3_34). Philadelphia: Taylor & Francis

Thomson I. &Bebbington .J (2004) *It doesn't matter what you teach? Critical Perspectives on Accounting*.15, PP. 609– 628.